

# جهانگشای خاقان، کتاب داستان نه منبع دست اول

استادیار گروه تاریخ و ایران‌شناسی دانشگاه اصفهان | حسین شیخ

| ۴۰۷-۴۱۶ |

۴۰۷

آینه پژوهش | ۲۰۵  
سال ۳۵ | شماره ۱  
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳



**چکیده:** در ایران باور عمومی پژوهشگران بر آن است که جهانگشای خاقان منبعی است دست‌اول از زندگانی شاه اسماعیل، که در زمان جانشین و پسرش شاه طهماسب نوشته شده است. اما واقعیت آن است که این کتاب بنا بر پژوهش‌های اخیر متنی است متأخر و داستانی از بیجن نامی که در دوره شاه سلیمان صفوی آن را به رشته تحریر درآورده است. در این مقاله نخست یکی از دو ویراست و چاپ جدید این کتاب معرفی و نقد می‌شود و سپس به پژوهش‌هایی پرداخته شده است که نشان می‌دهد این متن فاقد اعتباری است که عموماً در ایران به آن قائل‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** جهانگشای خاقان، شاه اسماعیل صفوی، تاریخ‌نگاری، داستان عامیانه، بیجن گرجی

## Jahāngushāy-e Khāghān: A Fictional Book, Not a Primary Source

Hossein Sheikh

**Abstract:** In Iran, it is generally believed among researchers that the book "Jahāngushāy-e Khāghān" is a primary source about the life of Shah Ismail, written during the reign of his successor and son, Shah Tahmasb. However, the reality is that this book, based on recent research, is a late text and a story about a character named Bijan, which was written during the reign of Shah Solyiman Safavi. This article first introduces one of the two new editions and prints of this book and then examines research that shows this text lacks the credibility that is generally attributed to it in Iran.

**Keywords:** Jahāngushāy-e Khāghān, Shah Ismail Safavi, Historiography, Folk Tale, Bijan the Georgian.

کتاب «جهانگشای خاقان» شرح داستانی زندگانی و پادشاهی اسماعیل اول (۹۰۷-۹۳۰ ه.ق) نخستین پادشاه صفوی است که با استفاده از منابع تاریخی پیشین در اواخر قرن یازدهم در زمان شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۶-۱۱۰۵ ه.ق) به دست فردی بنام بیجن تاریخ صفوی خوان تألیف شده است. این کتاب به اشتباه در ایران همچون منبعی دست اول برای تاریخ پادشاهی شاه اسماعیل معرفی و استفاده می‌شود. در این مقاله در بخش نخست به چاپ احمدی-جفرودی از جهانگشای خاقان (۱۴۰۰) خواهیم پرداخت و در بخش دوم پژوهش‌های اخیر درباره مؤلف و زمان تألیف کتاب را بررسی خواهیم کرد.<sup>۱</sup>

جهانگشای خاقان سال‌ها پیش (۱۳۶۴ ه.ش) با مقدمه‌ای مفصل - که حدس زده می‌شود نویسنده‌اش اکبر ثبوت مدیر وقت مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان باشد - و دیباچه و به کوشش الله‌تتا مضطر به صورت فاکسیمیل از روی نسخه لندن در پاکستان از سوی انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان چاپ شده است. در همین چاپ فاکسیمیل خبر از نسخه‌ای دیگر از کتاب در کمبریج داده می‌شود که یحتمل از روی این نسخه نوشته شده است؛<sup>۲</sup> نیز اختلاف‌های آن با نسخه لندن در صفحات ۶۱۵ تا ۶۳۰ کتاب درج شده است. در دو - سه سال اخیر چاپ مضطر از جهانگشای خاقان دو مرتبه به صورت حروفچینی شده به طبع رسیده است؛ نخستین بار به همت آقای پرغو که توسط دانشگاه تبریز به سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۹۸ و دیگری در سال ۱۴۰۰ به اهتمام نعمت احمدی و نیلوفر جفرودی و توسط نشر تاریخ ایران منتشر شده‌اند. آقای درودگر در مقاله‌ای درباره طبع پرغو و نقایص آن به تفصیل سخن رانده است؛<sup>۳</sup> از این رو من اینجا تنها به طبع دیگر - احمدی و جفرودی - نگاهی خواهم افکند.

کتاب با «یادداشت مصححان و راهنمای نسخه» آغاز می‌شود که در توصیف نسخه‌های خطی و شیوه تصحیح و آماده‌سازی متن است؛ اما متأسفانه توصیف دقیقی که از

۱. از دوست عزیز اسدالله پورموسی که متن را با دقت خواند و ایرادهای آن را گوشزد کرد، بسیار سپاس گزارم.

۲. مقدمه مصحح بر جهانگشای خاقان (مضطر)، ص یک.

۳. درودگر، ۱۴۰۰، ص ۲۶۱ به بعد.

نسخه‌های استفاده‌شده به دست نمی‌دهند هیچ، توصیف‌شان خالی از خطا هم نیست. در اصل به نظر می‌رسد مصححان در توصیف نسخه‌ها تنها به توصیف الله‌دتا مضطر اکتفا کرده‌اند و عکس خود نسخ را حتی ندیده‌اند و بر مبنای چاپ فاکسیمیله الله‌دتا مضطر به تصحیح کتاب همت گماشته‌اند. در همین بخش مصححان گفته‌اند به «آرایش لفظی» متن نیز پرداخته‌اند که این حرف‌شان نادرست است؛ چراکه بی‌شک منظورشان اعراب‌گذاری کلمات برای سهولت خواندن متن است، نه اینکه نثر متن را تغییر داده باشند.

پس از یادداشت مصححان، دیباچه‌ای از رضا شعبانی آمده است که با وجود داشتن مطالب مفید، به منقبت شاه اسماعیل حصر می‌شود؛ البته می‌توانست فرصتی باشد برای نگاهی کاوش‌گرانه به زندگی و کارنامه شاه اسماعیل یا متن کتابی که برآن دیباچه نوشته است.

پس از دیباچه شعبانی، دوباره مصححان مقدمه‌ای در توصیف چاپ فاکسیمیله را آغاز می‌کنند و بعد از وصف دوباره نسخ به کار گرفته‌شده به بررسی محتوای سخن مدیر مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان می‌رسند و سر به بیراهه می‌نهند و به توصیف روابط صفویان با ملوک هم‌جواری می‌پردازند و از اصل مطلب - که همانا توصیف محتوای کتاب است - دور می‌مانند؛ از این‌رو مقدمه ناقص می‌ماند؛ در حالی که نظیر مطالبی که درباره روابط با همسایگان گفته‌اند را می‌توان در بسیاری از کتاب‌های تاریخی مربوط به صفوی به وفور یافت و نیازی به درج آنها در این مقدمه نیست. اسفناک اما اینکه مصححان هیچ توجهی به بحث‌هایی که به تازگی درباره زمان و هویت مؤلف کتاب درگرفته است، نکرده‌اند؛ از این‌رو در شناسایی زمان و مؤلف به بیراه رفته‌اند و سخنان پیشینیان را را پذیرفته و تکرار کرده‌اند (در این باره در ادامه بیشتر صحبت خواهد شد). همچنین در مقدمه به نوشته‌های براون، ریو و راس<sup>۱</sup> ارجاع داده شده است؛ ولی خبری از اینها در فهرست منابع کتاب نیست.

۱. نام سردنيس راس در این مقدمه به صورت سر-د-رُس نوشته شده است که برگرفته از مقدمه مضطر است؛ درحالی‌که به صورت صحیح این نام در حاشیه شماره ۳ اشاره کرده‌اند. معلوم نیست چرا املاي اسم راس را یک دست نوشته‌اند.

خلاصه آنکه مصححان به جای نوشتن مقدمه‌ای ابتر و بیان مسائل عمومی تاریخ صفویان، می‌توانستند به تفصیلی مفید به شرح نسخ کتاب و جایگاه این کتاب در بازتاب داستان زندگی و پادشاهی شاه اسماعیل در دوره صفوی و پس از او به‌ویژه به کتاب‌های مشابه این کتاب همچون عالم‌آرای صفوی<sup>۱</sup> و عالم‌آرای شاه اسماعیل<sup>۲</sup> پردازند و محتوای این دو اثر را با متن کتاب مقایسه و بررسی کنند و به تحریرهای مختلف این نوع ژانر پردازند و از کتبی چون عالم‌آرای شاه تهماسب نام ببرند که متأثر از چنین ژانری بوده‌اند.<sup>۳</sup>

متن جهانگشای خاقان نیز با شیوه‌ای نامنظم و آشفته تصحیح شده است. ورای اغلاط راه‌یافته در متن، پاورقی‌ها در متن اصلی به جای آغازی دوباره به ادامه مقدمه پیوسته است و از شماره ۱۸ آغاز می‌شود. از سوی دیگر متن پاورقی‌ها در بیان و توضیح لغات مشکل به شکل‌گزینشی برگزار شده و نظم خاصی در توضیح لغات دشوار در متن اصلی کتاب حاکم نیست؛ همچنین همه آنچه با عنوان تعلیقات مطرح شده است، می‌توانست در پاورقی نیز جای گیرد.

در بخشی از تعلیقات، فهرستی برای کتاب‌های مندرج در متن اصلی تهیه شده است. تعجب‌برانگیز است که میان آنها از برخی کتاب‌ها نام برده می‌شود که بسیار بعد از زمان تألیف کتاب نوشته شده‌اند؛ برای مثال می‌توان از کتاب تاریخ حزین از حزین لاهیجی نام برد که سال‌ها بعد از تألیف کتاب جهانگشای خاقان نوشته شده

۱. چاپ یدالله شکری. این چاپ بر مبنای دو نسخه از کتابخانه شخصی حسین مفتاح تصحیح شده است (شکری، ۱۳۵۰، ص بیست و چهار-سی و چهار مقدمه). نامق موسالی بر مبنای این چاپ، ترجمه‌ای به ترکی آذربایجانی از کتاب انجام داده که سال ۲۰۱۱ در باکو منتشر شده است. برخلاف مصححان فارسی جهانگشای خاقان، او در مقدمه‌اش به موضوع مؤلف و تاریخ تألیف جهانگشای خاقان بر مبنای تحقیقات مورتن و وود پرداخته است (موسالی، ۲۰۱۱، ص ۴۶، ۵۷، ۶۵ و ۷۶).
۲. اصغر منتظر صاحب بر مبنای نسخه‌ای شخصی مورخ ۱۲۴۰ ه.ق به تصحیح کتاب پرداخته است (منتظر صاحب، ۱۳۴۹، ص بیست تا بیست و دو مقدمه).
۳. چاپی از نسخه‌ای ناقص را سال‌ها پیش زنده‌یاد ایرج افشار از عالم‌آرای شاه تهماسب منتشر کرده است؛ سپس نسخه‌ای کامل‌تر و مفصل‌تر از این کتاب یافته شده است (بنگرید به: سلیم و حیدری، ۱۳۸۹).

است یا کتاب وقایع السنین که در سال ۱۱۹۵ ه. ق نوشته شده است. معلوم نیست چگونه در کتابی که در اوایل قرن دوازدهم نوشته شده، می‌تواند نام کتاب‌هایی که بعد از این کتاب تألیف شده‌اند در متن اصلی کتاب ذکر شود؟! برخی اطلاعات ارائه شده درباره کتاب‌ها نیز نادرست هستند؛ برای نمونه کتاب جواهر التفسیر کاشفی فقط یک مرتبه در ایران آن هم در یک جلد به همت جواد عباسی و توسط انتشارات میراث مکتوب در سال ۱۳۷۹ چاپ شده است نه در سه جلد و توسط رضا استادی.<sup>۱</sup> باز هم در همین بخش مشخص نیست این کتاب‌ها در کجای متن اصلی ذکر شده‌اند؟!

با توجه به آنچه گفته شد، چنین به نظر می‌آید که کتاب شتاب زده و کم‌دقتی برای چاپ آماده شده است. طرفه آنکه ناشر نیز در اول صفحه از خود سلب مسئولیت و اعلام می‌کند خطایای مندرج در کتاب بر عهده او نیست و نقش خود را در حد یک چاپخانه تقلیل داده است. با توجه به نقایصی چنین در این چاپ و کاستی‌های چاپ تبریز، می‌توان گفت جهانگشای خاقان متنی است بدقبال که هنوز با وجود دو چاپ آن‌گونه که باید به طبع نرسیده است.

اما آنچه بیشتر مایه تأسف است، بی‌توجهی مصححان این نشر و نشر تبریز به مباحثی است که به تازگی درباره مؤلف و زمان اثر و ارزش آن درگرفته است؛ چراکه برخلاف ادعای مصححان و دیباچه‌نویسان این دو نشر، جهانگشای خاقان اثری است متأخر و داستانی و فاقد اصالتی است که مصححان بر آن قائل‌اند. به سخنی دیگر فاقد ارزش تاریخی‌ای است که در ایران بر آن قائل‌اند و آن را از منابع دست اول پژوهش درباره زندگی شاه اسماعیل می‌دانند؛ چراکه این کتاب بر خلاف این عقیده رایج - که در زمان شاه تهماسب (۹۳۰-۹۸۴ ه. ق) بین سال‌های ۹۴۷ و ۹۵۵ ه. ق به رشته تحریر درآمده است - اثری است داستانی که در زمان شاه سلیمان صفوی نوشته شده است. در واقع

۱. من هرچه در فهرس مختلف گشتم، چنین چاپی از این کتاب را نیافتم. گوهری فخرآباد - نویسنده کتاب ملاحسین واعظ کاشفی - نیز تنها به همین یک چاپ از این کتاب اشاره می‌کند که در بالا یاد شد (بنگرید به: گوهری فخرآباد، ۱۳۹۹، ص ۱۴۱).

جهانگشای خاقان به سنت روایی و حماسی از شاهان صفوی تعلق دارد که بعد از حیات خود آن شاهان به نثری عامیانه نوشته شده<sup>۱</sup> و گرچه در نوشتن چنین آثاری مؤلف یا مؤلفان به کتب تاریخی نظر داشتند، اما جنبه داستانی چنین آثاری بر اهمیت تاریخی آنان می‌چربد. برای روشن شدن این موضوع بهتر است تا به سابقه تحقیق درباره این کتاب نظری افکنده شود.<sup>۲</sup>

نخستین بار در سال ۱۸۹۶ سر دنیس راس در مقاله‌ای بلندبالا - که خلاصه رساله دکترای او در استراسبورگ (زیر نظر تئودور نولدکه) بود - به توصیف این اثر و دو نسخه آن در لندن و کمبریج پرداخت و حدس زد کتاب در زمان شاه تهماسب اول و نیمه اول قرن دهم هجری نوشته شده است؛<sup>۳</sup> اما شش سال بعد بوریج در مقاله‌ای کوتاه نظر راس را رد کرد. بوریج با مطالعه نسخه لندن از نزدیک به این نتیجه رسیده بود که متن در نیمه اول قرن یازدهم نوشته شده است؛ یعنی نزدیک صد سال بیشتر از ادعای راس.<sup>۴</sup> اما محققان به نظر او التفاتی نکردند و همچنان نظر راس با برخی افزودگی‌ها نظر غالب در این باره بود<sup>۵</sup> تا اینکه در سال ۱۹۹۰ مورتن در مقاله‌ای به تفصیل به مسئله مؤلف و زمان تألیف کتاب پرداخت.<sup>۶</sup> او با مطالعه هر دو نسخه لندن و کمبریج

۱. محمدباقر آرام گرچه به خطا جهانگشای خاقان را متنی نوشته شده در زمان شاه تهماسب قلمداد می‌کند (آرام، ۱۳۹۳، ص ۲۱۲)؛ ولی به درستی آن را در ردیف تاریخ‌نگاری عامیانه قرار داده است (آرام، ۱۳۹۳، ص ۱۷۳).
۲. من پیشینه تحقیقات را بسیار خلاصه گزارش داده‌ام؛ برای شرحی مفصل‌تر رجوع شود به مقاله مورتن (۱۹۹۰) و نیز شعله کویین (۲۰۲۲، ص ۱۷۹). اینجا بایسته است از خانم شعله کویین (دانشگاه کالیفرنیا، مرسد) برای فرستادن مقاله مورتن سپاس‌گزاری کنم.
۳. راس، ۱۸۹۶، ص ۲۵۰.
۴. بوریج، ۱۹۰۲، ص ۸۸۹. او باور دارد محمدعلی بن نورا در پایان نسخه نه کاتب که احتمالاً نویسنده کتاب است.
۵. برای نمونه بنگرید به کتاب غلام سرور، ۱۹۳۹، ص ۹-۱۰ (این کتاب به فارسی ترجمه شده، اما هنگام نوشتن این مقاله در دسترس نگارنده نبوده است).
۶. از این مقاله ترجمه‌ای به قلم محمدتقی مشکوریان به شکلی ناقص در مجله گزارش میراث منتشر شده است؛ چراکه یادداشت‌های ارزشمند مورتن در متن منتشره فارسی حذف شده است.

به‌ویژه حواشی نسخه لندن که به احتمال بسیار به دست مؤلف کتاب نوشته شده، نتیجه گرفته است که بیجن نامی معروف به «تاریخ صفوی خوان» در اواخر قرن یازدهم یا اوایل قرن دوازدهم هجری این کتاب را با کمک منابع اولیه چون حبیب السیر، احسن التواریخ و تحریری از عالم‌آرای صفوی فراهم آورده است.<sup>۱</sup> او همچنین به خطاهای فاحش تاریخی نویسنده در کتاب اشاره می‌کند که ارتکاب آنها از کسی که نزدیک به عصر شاه اسماعیل می‌زیست، بسیار بعید است.<sup>۲</sup> مورتن به اثر دیگری از نویسنده - بیجن - اشاره می‌کند که نسخه‌ای از آن به خط خود او در سال ۱۱۰۴ ه.ق نوشته شده که در شرح حال سپهسالار مشهور صفوی، رستم خان سپهسالار گرجی است.<sup>۳</sup>

پس از مورتن محقق دیگری به نام بری وود در چند مقاله به این اثر و به کلی زندگی‌نامه‌های عامیانه شاه اسماعیل پرداخت و با بررسی جنبه‌های مختلف کتاب به‌ویژه جنبه روایی عامیانه، متأخر بودن این نوع داستان‌ها در برابر دوران شاه اسماعیل را بیش از پیش آشکار کرد. وود بر آن است که چنین کتاب‌هایی را باید در

## ۴۱۳

آینه پژوهش | ۲۰۵

سال ۳۵ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

۱. گفتنی است تقریباً هم‌زمان با مورتن، کوچی هانه‌دا ایران‌شناس ژاپنی در مقاله‌ای به ژاپنی درباره اشعار مندرج در جهانگشای خاقان و مقایسه آنها با دیگر منابع از دوره صفوی همچون عالم‌آرای عباسی به این نتیجه رسیده بوده است که این اثر متأخر است و نه در زمان شاه تهماسب صفوی، بلکه در نیمه اول قرن یازدهم نوشته شده است. خلاصه‌ای از مقاله او را مورتن در مقاله اش نقل کرده است (مورتن، ۱۹۹۰، ص ۱۸۱ و ص ۱۹۸).

۲. مثلاً یوزباشی‌نامیدن خسرو آقا نامی در حالی که این منصب در زمان شاه عباس اول به وجود آمد (مورتن، ۱۹۹۰، ص ۱۸۴) یا مأموریت قنبری نامی به دربار سلطان مراد آق‌قویونلو که قسمتی از آن برگرفته از احسن التواریخ حسن روملو است (مورتن، ۱۹۹۰، ص ۱۸۷) و موارد دیگری از این دست که در مقاله مورتن به تفصیل ذکر و بررسی شده‌اند.

۳. مورتن، ۱۹۹۰، ص ۱۸۳. درباره این کتاب بنگرید به: روتا، ۱۹۹۸، ص ۱۷۰-۱۷۴. روتا متن این کتاب را در سال ۲۰۰۹ همراه با ترجمه ایتالیایی در وین منتشر کرد. او در مقدمه این ترجمه بارها به تحقیق مورتن اشاره می‌کند، به‌ویژه در بخش معرفی نویسنده کتاب (بنگرید: روتا، ۲۰۰۹، ص ۲۳-۲۶). اخیراً این کتاب در ایران به همت محسن بهرام‌نژاد و توسط نشر میراث مکتوب منتشر شده است. متأسفانه نگارنده هنوز کتاب و به‌ویژه مقدمه بهرام‌نژاد را مشاهده نکرده‌ام.

ژانر تاریخ داستانی شاهان صفوی دسته‌بندی کرد.<sup>۱</sup> وود افزون بر تحقیق درباره چنین نوشته‌هایی، بر مبنای چاپ منتظرصاحب - عالم‌آرای شاه اسماعیل - ترجمه‌ای به انگلیسی انجام داد که سال ۲۰۱۹ در لایدن و توسط انتشارات بریل منتشر شد.<sup>۲</sup> وی در مقدمه‌اش بر ترجمه عالم‌آرای شاه اسماعیل نشان می‌دهد که از این سنت داستان شاه اسماعیل تا کنون دوازده نسخه از اواخر قرن هجری یازدهم تا اواسط قرن سیزدهم هجری به دست آمده است که او همه آنها را به ترتیب قدمت در جدولی ذکر کرده است.<sup>۳</sup>

اکنون به مدد پژوهش‌های کسانی چون مورتن و وود مشخص شده است که این کتاب در اصل اثری داستانی است در ژانر تاریخ داستانی شاهان صفوی که احتمالاً به تقلید از حماسه‌نامه‌های عامیانه همچون ابومسلم‌نامه نوشته شده است؛ اما چون نویسنده جهانگشای خاقان معلومات ادبی و تاریخی بیشتری از نویسندگان چنین کتاب‌هایی داشته است، هم محتوا و هم نثر کتاب بهتر و سامان‌تر از آنهاست؛ با این وجود همچنان که چترایی عزیزآبادی در مقالات خود در بررسی سبک نوشتاری و روایی این کتاب نشان داده است، آن را باید اثری در ردیف داستان‌های عامیانه دانست نه تاریخ.<sup>۴</sup>

۱. وود، ۲۰۰۴، ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷.
۲. وود، ۲۰۱۹. وود علت انتخاب نسخه منتظر صاحب را به دلیل متأخر بودن و در نتیجه فربه‌ترین روایت در این ژانر بودن بیان می‌کند (وود، ۲۰۱۹، ص بیست و یک مقدمه).
۳. وود، ۲۰۱۹، ص بیست و دو و بیست و سه مقدمه.
۴. چترایی عزیزآبادی، ۱۳۸۹ الف، ص ۷۰-۷۱؛ چترایی عزیزآبادی، ۱۳۸۹ ج، ۱۳۸۹. دو مقاله اخیر تکرار مطالب مقاله اولی هستند و مطلب خاصی بر مقاله اول نیافزوده‌اند. گرچه چترایی عزیزآبادی نیز مرتکب اشتباه دیگران شده است و جهانگشای خاقان را منبعی دست اول می‌داند. او باور دارد مؤلفان دو کتاب عالم‌آرای صفوی و عالم‌آرای شاه اسماعیل، با تغییراتی در نثر و محتوای جهانگشای خاقان آن را بازنویسی کرده‌اند (چترایی عزیزآبادی، ۱۳۸۹، ص ۵۹ و ۶۰)؛ در حالی که برعکس این موضوع صحیح است.

## منابع

- آرام، محمدباقر؛ اندیشه تاریخ نگاری عصر صفوی؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۳.
- احمدی، نعمت و نیلوفر جفرودی (مصحح)؛ جهانگشای خاقان؛ تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۴۰۰.
- افشار، ایرج (مصحح)؛ عالم آرای طهماسب؛ تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۰.
- پرغو، محمدعلی (مصحح)؛ جهانگشای خاقان؛ تبریز: دانشگاه تبریز، ۱۳۹۷-۱۳۹۸.
- چترایی عزیزآبادی، مهرداد؛ «بررسی سبکی جهانگشای خاقان و دو تحریر دیگر آن»؛ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، پیش شماره ۱، ۱۳۸۹ الف.
- چترایی عزیزآبادی، مهرداد؛ «سرقت آگاهانه یا پیروی از عادت مرسوم»؛ گزارش میراث، دوره ۲، سال ۵، ش ۴۱، مهر و آبان ۱۳۸۹ ب.
- چترایی عزیزآبادی، مهرداد و دیگران؛ «فواید ادبی و تاریخی جهانگشای خاقان»؛ پژوهشنامه ادبیات تعلیمی (دهاقان)، ش ۷، ۱۳۸۹ ج.
- چترایی عزیزآبادی، مهرداد و دیگران؛ «جهانگشای خاقان و شیوه‌های قصه‌پردازانه آن»؛ جستارهای ادبی، ش ۸، ۱۳۸۹ د.
- درودگر، قنبرعلی؛ «ویرایشگری یا ویرانگری؟ نقدی بر چاپ جدید جهانگشای خاقان: با بازخوانی و ویرایش محمدعلی پرغو»؛ آینه پژوهش، ش ۱۸۷، ۱۴۰۰.
- سلیم، محمدنبی و مریم حیدری؛ «نسخه‌ای نویافته از عالم آرای شاه تهماسب»؛ پژوهشنامه تاریخ، دوره ۵، ش ۱۸، ۱۳۸۹.
- شکری، یدالله (مصحح)؛ عالم آرای صفوی؛ تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰.
- گوهری فخرآباد، مصطفی؛ زمانه، زندگی و کارنامه ملاحسین واعظ کاشفی؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۹.
- مشکوریان، محمدتقی (مترجم)؛ «پژوهشی در باب مؤلف و زمان تألیف جهانگشای خاقان (راس آنونیموس)»؛ گزارش میراث، ش ۷۲-۷۳، آذر - اسفند ۱۳۹۴.
- مضطر، الله‌دتا (مصحح)؛ جهانگشای خاقان؛ اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۴.
- منتظر صاحب، اسماعیل (مصحح)؛ عالم آرای شاه اسماعیل؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹.
- Beveridge, H.: 1902. "The Author of the Life of *Shāh Isma'īl Šafavī*". The Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland, (Oct. 1902), pp. 889-895.

- Morton, Alexander H.: 1990. "The date and attribution of the Ross Anonymous: notes on a Persian history of Shah Isma'il I", in Charles Melville (ed.), *Pembroke Papers I*, Cambridge: University of Cambridge Centre of Middle Eastern Studies: 179-212.
- Musalı Namiq. S: 2011. *I Şah İsmayılın hakimiyyeti ("Tarix-i aləm-ara-yi Şah İsmayıl" əsəri əsasında)*. Bakı: "Nurlan".
- Quin, Sholeh A.: 2022. "Safavid historiography: the place of the Safavids in Iranian history", In Rudi Matthee(ed.), *The Safavid World*. London: Routledge. pp. 164-181.
- Ross, Denison E.:1896. "The early years of Shah Ismail, founder of the Safavi dynasty", *Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland*, 28: 249-340.
- Rota, Giorgio: 1998. "Three little-known Persian sources of the seventeenth century", *Iranian Studies*, 31:2, 159-176.
- Rotta, Giorgio: 2009. *La Vita e i Tempi di Rostam Khan* (Edizione e Traduzione Italiana del MS. British Library ADD 7,655), Wien: Verlag der sterreichischen Akademie der Wissenschaften.
- Sarwar, Ghulam: 1939. *History of Shah Ismail Safawi*, Aligarh: repr. New York: AMS Press.
- Wood, Barry: 2004. "The *Tarikh-i Jahanara* in the Chester Beatty Library: an illustrated manuscript of the 'anonymous histories of Shah Isma'il'", *Iranian Studies*, 37: 89-107.
- : 2015. "Popular romance as cultural memory: the anonymous histories of Shah Isma'il", in *Proceedings of the LITCRI '15 Literary Criticism Conference*, Istanbul: Dakam Publishing. pp. 157-66.
- : 2017. "The battle of Ch ilder n: official history and popular memory", *Iranian Studies*, 50: 79-105.
- (ed. and Trans.): 2019.*The Adventures of Sh h Esm 'il: A Seventeenth-Century Persian Popular Romance*, Leiden: Brill.